

ارزیابی مفسران فریقین در مصداق‌یابی «بیوت مرفع» در آیه ۳۶ نور

نفیسسه فقیهی مقدس*

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی دیدگاه مفسران فریقین در تفسیر آیه ۳۶ نور و واکاو معنایی و مصداقی «بیوت مرفع» است. آیه مزبور از خانه‌هایی که رفعت داده شده، حکایت دارد. به رغم باور وهابیت در منع بزرگداشت اماکن مقدس و پرهیز از تبرک و تمسک به آثار پیشینیان، کلام الهی اماکنی را رفعت بخشیده و به تبع این ترفیع، رسالت تکریم و بزرگداشت این مصداق بر جامعه اسلامی لازم است. حاصل نگارش آن است که برخی مفسران فریقین از مساجد به عنوان مصداق آیه شریفه یاد کرده و «رفع» آن را ساختن بنای مساجد یا تکریم و بزرگداشت آن دانسته‌اند؛ دیگر مفسران مقصود آیه را بیوت انبیاء و بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان دانسته و منظور از رفع بیوت را تکریم و بزرگداشت مراقد و مشاهد ایشان و حفظ و صیانت از ویرانی و حضور مستمر در بیوت دانسته‌اند و گروه سوم حقیقت بیوت را مقام رفیع رسالت و امامت می‌دانند و معتقدند مراد از رفعت، مقام قرب و وجودهای مقدس اهل بیت علیهم السلام است. ارزیابی دیدگاه مفسران در معرفی مسجد به عنوان مصداق انحصاری آیه، بیانگر آن است که شمول مصداقی آیه از مؤیدات روایی فریقین برخوردار بوده و منطبق بر قواعد تفسیری است.

واژگان کلیدی

آیه ۳۶ نور، تفسیر تطبیقی، بیوت مرفع، مساجد.

n.faghihi@ahl.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲

*. استادیار گروه معارف اهل البیت علیهم السلام دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۰

طرح مسئله

به باور اسلامی قداست داشتن برخی افراد یا اماکن، صبغه‌ای قرآنی دارد و کلام وحی از «اجتباء» و «اصطفاء» مردان و زنانی یاد می‌کند (آل عمران / ۳۳؛ مریم / ۵۸) که با بهره‌گیری از علم (مجادله / ۱۱) (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷ / ۲۰۵) و حکمت (انعام / ۸۹) و قرار گرفتن در مسیر مشیت الهی (انعام / ۸۳) در بلندای مسیر عبودیت و بندگی واقع شده و به‌عنوان الگو و اسوه جامعه ایمانی معرفی شده‌اند (ممتحنه / ۶) و جامعه ایمانی به محبت و مودت نسبت به آنان مکلف هستند. (شوری / ۲۳)

همچنین پروردگار متعال از مکان‌هایی یاد می‌کند که تکریم و تعظیم آن به‌واسطه کرامت بخشی دینی بر عموم مسلمانان لازم است. یادکرد تکریمی قرآن از بیت‌الله الحرام، (مائده / ۹۷) شهر مکه (آل عمران / ۹۶) و طور سینین (تین / ۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۵۴) از این قبیل است.

غیر از فرقه وهابیت که دلالت آیه را منحصر به مساجد دانسته (عائض، ۱۴۲۱: ۵۴ / ۲) و تکریم و تعظیم اولیا فقط به زمان حیات مربوط دانسته و هرگونه تکریم اماکن منتسب به اولیای الهی پس از حیات؛ اعم از بنای قبور یا تبرک و تمسک به اولیای الهی و صالحان بعد از وفات را مردود و باطل دانسته‌اند. (ابن تیمیه، بی‌تا: ۵۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲ / ۴۴۱) سایر فرق اسلامی و دیگر پیروان ادیان الهی به دنبال حفظ آثار و شاخصه‌های دینی خود بوده و بر آن اهتمام ورزیده‌اند. (ر.ک: شیبانی، ۱۴۰۸: ۴۹۲ / ۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۱۲ / ۱۱)

از جمله آیاتی که می‌تواند مستند دینی تکریم اماکن الهی قرار گیرد آیه ۳۶ نور است؛ پروردگار متعال در این آیه شریفه از بیوت و خانه‌هایی یاد می‌کند که به اذن الهی رفعت داده شده و مورد تعظیم الهی قرار گرفته‌اند:

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ.

در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند.

موضوع نوشتار پیش رو، مصداق‌یابی اماکنی است که مورد رفعت قرار گرفته‌اند، اهمیت و ضرورت این بحث، افزون بر ضرورت عام تدبر در آیات الهی، با توجه به شبهات وهابیت که بر حرمت تکریم و بزرگداشت مکان‌های منتسب به اولیای الهی فتوا می‌دهند، بیشتر می‌شود. سؤال اصلی این نوشتار که با روش توصیفی تحلیلی تفاسیر اسلامی را محور پژوهش خود قرار داده، این است که مصداق بیوت رفعت داده شده کدام است؟ و آیا می‌توان با توجه به شاخصه‌های مطرح در آیه شریفه به ضابطه‌ای در مصداق‌یابی اماکنی که تعظیم آنان لازم است، دست یافت؟

مفهوم‌شناسی

۱. بیت

«بیوت» جمع «بیت» است. لغت‌شناسان «بیت» را به معنای جایگاه و پناهگاه انسان در شب دانسته و بعد از آن به مسکن و خانه بدون در نظر گرفتن تعبیر شب، بیت گفته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲:

۳۲۰ / ۱؛ قرشی بنابی، ۱۴۱۲: ۲۴۸ / ۱؛ مصطفوی، ۱۴۱۷: ۳۶۰ / ۱)

در قرآن مجید کلمه بیت در دو معنا به کار رفته است:

۱. **بیت مادی:** عبارت از خانه‌هایی است که از سنگ، گل و گچ، یا پشم کرک ساخته می‌شود؛ چنان‌که در آیه‌های «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ» (آل عمران / ۹۶)؛ «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا» (نمل / ۵۲)؛ «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» (یونس / ۸۷)؛ «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ» (نور / ۲۷) مصادیق مادی بیت مورد نظر است.

۲. **بیت معنوی:** عبارت از جایگاه والای توحید و نبوت و امامت می‌باشد؛ یعنی خانه‌ای که بر پایه ایمان به خدای یکتا و پذیرش رسولان و اطاعت از آنان بنا شده باشد. حضرت نوح زمانی که از خداوند برای کسانی که مؤمنانه به خانه او گام می‌نهادند طلب مغفرت می‌کرد، مرادش ورود افراد به خانه ظاهری‌اش نبود؛ بلکه هر آن کس که نبوت و رسالت وی را می‌پذیرفت، مشمول دعای خود می‌دانست. (نوح / ۲۸)

ارتباط حقیقی و راستین با بیوت معنوی تنها با اطاعت از صاحب‌خانه، شدنی است مگر نه اینکه همسر و فرزند نوح در خانه حضرت زندگی می‌کردند ولی در هنگام طوفان جزء نجات یافتگان نبودند. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۸۷ / ۹)

۲. اذن

از این ماده فعل «أَذِنَ يَأْذِنُ» از باب «علم يعلم» به معنای گوش دادن و اطاعت کردن آمده است، مانند: «إِذَا السَّمَاءُ أَشْقَّتْ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» (انشقاق / ۱) همچنین این واژه به معنای اراده، (قرشی بنابی، ۱۴۱۲: ۵۴ / ۱) اجازه و اعلام اجازه معنا شده است. می‌توان گفت: ریشه اذن به معنای اطاعت و علم از اذن (بر وزن عنق) است و ریشه اذن به معنای اجازه و اراده و اعلام از اذن (بر وزن علم) است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۰)

جوادی آملی معنای اذن را، افزون بر رساندن مفهوم آگاهی، به معنای برداشتن مانع و فراهم کردن ابزار نیز دانسته (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۷۷ / ۹) و در تبیین کاربرد معنایی اذن در قرآن کریم می‌نویسد:

اذن خداوند چند گونه است گاه اذن، اذن تکوینی است به این معنا که هر گفتار و کرداری در تکوین به اذن و اراده الهی تخلف‌ناپذیر اوست و بی‌آن، هرگز چیزی تحقق نمی‌یابد؛ همه معجزات الهی و کرامات اولیاء مانند شفای بیماران، زنده کردن مردگان (مائده / ۱۱۰) پیروزی حق بر باطل (بقره / ۲۵۱) مردن آدمیان (آل عمران / ۱۴۵) و توانمندی و سخنوری در رستاخیز الهی (نبأ / ۳۸) همه در گرو اذن تکوینی خداوند می‌باشد.

گاه اذن، اذن تشریعی است و به این معناست که در نبود این اذن، انجام شدن امور نامشروع و حرام است؛ مانند بایدها و نبایدهای تخلف‌پذیر الهی که گاه انسان‌ها از آن سر باز می‌زنند. از جمله آیاتی که به این‌گونه اذن اشاره دارد آیه ۳۸ سوره حج است، در این آیه خداوند بعد از تشکیل حکومت و قدرت یافتن مسلمانان در شهر مدینه، اذن تشریعی داد تا مسلمانان با مشرکان و دشمنان خود بجنگند و این در حالی بود که مسلمانان در مکه تنها اذن دفاع از خود را داشتند.

همچنین گاهی اذن، اذن تشریعی و تکوینی است، به‌عنوان مثال در آیه ۲۴۹ سوره بقره خداوند با اذن تکوینی و فراهم آوردن ابزار پیروزی، مؤید کار مجاهدان اسلام شد و از سوی دیگر اذن تشریعی دستور به جنگ با خدا ستیزان را صادر کردند. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۷۷ / ۹) و علامه طباطبایی نیز «رفع موانع انجام کار» را از معانی اذن دانسته (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۶ / ۱۵) و در بیان تفاوت معنای اذن با رضایت چنین بیان می‌دارد:

معنای «اذن» با «رضایت» متفاوت است؛ زیرا «رضایت» امری باطنی است و به سازگاری جان آدمی با چیزی گفته می‌شود؛ اما «اذن»، امری ظاهری است که از سوی دارنده حق آن، به کسی و برای انجام دادن کاری اعلام می‌گردد و اندیشه وجود هرگونه مانعی را برای محقق شدن آن کار می‌زداید؛ خواه رضایت درونی به آن داشته باشد یا نه. در مقابل، رضایت درونی کنونی به چیزی، بدون اذن به آن بالفعل یا بالقوه بی‌معناست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۳۹)

میبدی معنای ای همچون اراده و مشیت، قضا و قدر، هدایت، توفیق، اتمام اجل، تکوین، و اباحه را بیان داشته و مراد الهی در آیه را امر الله دانسته و نظر خود را با ذکر آیه «لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ يَا ذُنَّ رَبِّهِمْ» مستند ساخته است. (میبدی، ۱۳۷۱: ۵۳۷ / ۶ و نیز رک: استرآبادی، ۱۴۰۹: ۳۵۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۴۲ / ۳؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۶۹۴ / ۲؛ ابن جزئی، ۱۴۱۶: ۷۲ / ۲؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۶۷۳؛ حوی، ۱۴۲۴: ۷ / ۳۷۷۶؛ جزایری، ۱۴۱۶: ۵۷۳ / ۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱۸۶ / ۴ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۰ / ۴)

مفسر من وحي القرآن، «اذن» را، فرمان‌برداری و ارتباط با خدا و نیاز انسان به صدور اجازه از جانب خدا در اقامه و انجام عمل معنا می‌کند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۲۶ / ۱۶)

۳. رفعت

«أَنْ تُرْفَعَ» فعل مضارع منصوب از ریشه «رفع» به معنای بالا بردن می‌باشد. واژه‌پژوهان قرآنی معنای ظاهری بالا بردن، بناکردن و برپاداشتن را به استناد آیاتی از قرآن نظیر «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ» (یوسف / ۱۰۰) «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ» (بقره / ۱۷۲) و همچنین بالا بردن معنوی از لحاظ مقام و منزلت و شرافت را با استناد به آیاتی چون «فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ» (عبس / ۱۴ - ۱۳) بیان داشته‌اند. (قرشی بنابی، ۱۳۷۱: ۳ / ۱۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۰؛ کرباسی، ۱۴۲۲: ۵ / ۴۴۰)

آیت‌الله جوادی آملی در خصوص «رفع بیوت» پس از تقسیم‌بندی بیوت به مادی و حسی، معنوی و عقلی می‌نویسد:

والایبی و ارجمندی و برتری مقام و مرتبه را رفعت معنوی یا عقلی می‌گویند، این امر در آیاتی از قرآن به آن اشاره شده است؛ مانند بالا رفتن حضرت عیسی علیه السلام به سوی ذات خداوند (آل عمران / ۵۵) و والایی و پاکی قرآن (عبس / ۱۴ - ۱۱) و برتری درجه و مرتبه معنوی مؤمنان از سوی خداوند؛ (مجادله / ۱۱) در نظر ایشان رفعت معنوی را از باب حقیقت و نه مجاز و به اذن تکوینی خداوند می‌دانند. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۹ / ۱۱۲)

مصادیق بیوت رفعت داده شده از منظر مفسران فریقین

علی‌رغم تفاوت روش‌ها و رویکردهای تفسیری شیعه و اهل سنت اعم از اتخاذ رویکرد روایی یا روش‌های اجتهادی، می‌توان به اشتراک قابل توجهی در تفسیر این آیه دست یافت؛ چنان‌که اختلافاتی نیز در بیان مصداق بیوت یافت می‌شود. در مجموع با بررسی و تحلیل تفاسیر فریقین، چند محور در باب مصداق بیوت قابل ذکر است:

۱. مطلق مساجد

بیشتر مفسران در کتب تفسیری خود مصداق بیوت را مساجد دانسته‌اند و رفعت آن را تکریم و گرامی‌داشت مساجد می‌دانند. مستند این نظر، روایتی از ابن عباس است که بسامد آن در تفاسیر فریقین دیده می‌شود:

مساجد بیوت الله في الأرض تضيء لأهل السماء كما تضيء النجوم لأهل الأرض؛ مساجد خانه‌های خدا بر روی زمین است. این بیوت برای اهل آسمان‌ها همان‌گونه درخشندگی دارد که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۶؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲ / ۷۶؛ دروزه، ۱۴۲۱: ۸ / ۴۲۸؛ حوی، ۱۴۲۴: ۷ / ۳۷۷۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳ / ۲۹۷؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۲ / ۶۹۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۸ / ۱۹۷؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۱۱۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۱۰۸؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۶ / ۵۳۷؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۴ / ۵۹۶؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ۳ / ۱۷۰؛ صابونی، ۱۴۲۱: ۲ / ۳۱۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۵۳۶؛ هواری، ۱۴۲۶: ۳ / ۱۵۹؛ برسوی، بی‌تا: ۶ / ۶؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۱۸ / ۲۵۰؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۶ / ۵۴۱؛ خازن، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۸۹)

روایت زیر نیز در برخی تفاسیر اهل سنت، بیانگر دیدگاه تفسیری آنان در مصداق آیه شریفه است:

أَنْ يُؤْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ؛ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي. أَلَا! إِنَّ عَلِيَّ الْمُرُورَ كَرَامَهُ الزَّائِر. أَلَا! بَشَّرَ الْمُشَائِنَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ، بِالتُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

در تورات نوشته شده است که: خانه‌های من در روی زمین، مسجدهایند؛ پس خوشا بنده‌ای که در خانه‌اش خود را پاکیزه کند و سپس در خانه من به دیدارم بیاید. بدانید! بر میزبان است که میهمان را گرامی دارد. هان! آنان را که در تاریکی‌های شب به مساجد می‌روند، بشارت بادا به نور درخشان در روز رستاخیز. (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۷ / ۶؛ هواری، ۱۴۲۶: ۳ / ۱۵۹؛ حوی، ۱۴۲۴: ۷ / ۳۷۸۶)

برخی از مفسران شیعی نیز همه مساجد را به‌عنوان اشرف و ارفع مکان‌ها، مصداق آیه دانسته‌اند؛ بر این اساس دعا و نماز و تلاوت قرآن در مساجد مورد تأکید و سفارش است (ر.ک: شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۹ / ۲۵۴؛ ثلاثی زیدی، ۱۴۲۳: ۴ / ۴۵؛ حائری طهرانی، ۱۳۸۸: ۷ / ۳۵۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۱۵۱؛ جرجانی، ۱۳۷۸: ۶ / ۳۱۷؛ امین اصفهانی، بی‌تا: ۹ / ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۲۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۸۸)

در روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، مساجد به‌عنوان «بیوت‌الله» معرفی و مسجدروندگان به مثابه زائران پروردگار دانسته شده‌اند: «عَلَيْكُمْ يَا تَيَانَ الْمَسَاجِدِ؛ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا، طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كَتَبَ مِنْ زُورِهِ؛ بِرِ شَمَا بَادِ رَفْتِنِ مَسَاجِدِ؛ زِيْرَا مَسَاجِدِ خَانِهَائِي خُدَا دَر رُويِ زَمِينِنْدِ، هِرْكَسِ كِه بَا طَهَارَتِ وَارِدِ مَسْجِدِ شُودِ خُدَاوَنْدِ اُو رَا اَزِ گَنَاهَانِ، تَطْهِيْرِ مِي كَنْدِ وَ نَامِ وِي دَرِ شَمَارِ زَوَارِ اِلْهِي ثَبِتِ مِي شُودِ». (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۵۲؛ انصاریان،

۱۳۹۳: ۴ / ۱۱۶) در روایتی از رسول خدا ﷺ نیز، مسجد به‌عنوان بیت الهی و مسجدروندگان، به‌عنوان قاصدان الی الله مدح شده‌اند. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲ / ۳۴۱)

۲. مساجدی که انبیای الهی بنا نهادند

برخی از مفسران بر مصداق خاصی از مساجد تأکید ورزیده و از نظرگاه برخی، این مصداق از شمول و عمومیت برخوردار نبوده و هر مسجدی مصداق آیه نیست؛ اینان مراد الهی را مساجد مهم و چهارگانه معرفی می‌کنند که توسط پیامبران الهی بنا شده است؛ این مساجد عبارتند از کعبه که توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام بنا شد، بیت المقدس که توسط داوود و سلیمان علیهم‌السلام بنا شد و مسجدالنبی و مسجد قبا که توسط پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بنا شده است. (جمل، ۱۴۲۷: ۵ / ۲۹۹؛ مراغی، بی‌تا: ۸ / ۱۱۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۳۹۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۱۰۸؛ میدی، ۱۳۷۱: ۶ / ۵۳۷؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۴ / ۵۹۶؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ۳ / ۱۷۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۵۲؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۶ / ۵۴۱؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۶۰۷؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۲ / ۶۹۴؛ خازن، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۸۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۹)

ابن عربی و آلوسی نیز از بین مصداق یادشده مساجد مهم اسلام، مصداق محوری را اخص از موارد یادشده دانسته و مراد الهی را بیت‌المقدس دانسته‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹ / ۳۷۰؛ ابن‌عربی، ۱۴۰۸: ۳ / ۱۳۹۰)

مفسرانی نیز از پیروان مکتب تشیع، اولویت بخشی به مساجد چهارگانه‌ای که توسط پیامبران الهی بنا شده و مصداق مهمی از مساجد است را قابل ذکر دانسته‌اند. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۱۵۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۹ / ۳۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۲۷؛ طیب، ۱۳۶۹: ۹ / ۵۳۲؛ نهانندی، ۱۳۸۶: ۴ / ۴۴۱؛ حائری طهرانی، ۱۳۳۸: ۷ / ۳۵۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۴۰)

بر پایه مصداق بیوت دانستن مساجد، اعم از این که عموم مساجد یا مصداق خاصی مورد نظر باشد؛ چند نظر پیرامون رفعت بیوت و مصداق‌یابی «ان ترفع» در آیه شریفه قابل ذکر است:

یک. اهتمام به ساخت و آبادانی مساجد

دیدگاه نخست در رفعت بیوت، اهتمام بر بنای مساجد است. گروهی از مفسرین با استناد بر روایت مجاهد و آیات «وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ» (بقره / ۱۲۷) ... بِنَاهَا * رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا» (النازعات / ۲۷ و ۲۸)، منظور از رفعت را بالا بردن و ساختن دیواره‌های مساجد بیان می‌کنند. از این میان، برخی دیدگاه خود در اهتمام به بنا کردن مسجد را درست‌ترین دیدگاه می‌دانند و به روایاتی در فضیلت ساخت مساجد و آبادانی استناد نموده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۱۱۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۲ / ۱۷۵۳؛ ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۴ / ۴۵)

زحیلی، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۷۵۴؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۱۷؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۳۹۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۶۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۶۰۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۴۲؛ ایبازی، ۱۴۰۵: ۱۰ / ۳۹۸؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۸۶؛ سیواسی، ۱۴۲۷: ۳ / ۱۷۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۱۱۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲ / ۵۱۴؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲ / ۷۶؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۹؛ ماتریدی، ۱۴۲۶: ۷ / ۵۷۳؛ آل غازی، ۱۳۸۲: ۶ / ۱۴۱

دو. اهتمام بر بنای بلند مساجد

دومین نظر افزون بر ساخت و بنای مساجد، به تکریم ظاهری مسجد و ارتفاع بخشی و بلند نگاه داشتن دیوار مساجد از سایر ابنیه اشاره می‌کند. در این رویکرد، رفعت ظاهری ملاک قرار داده شده و تمایز مساجد به ساخت رفیع و بلند آن قلمداد شده است، بر همین اساس از نظر برخی مفسران بالاتر بودن دیوار خانه‌ها از مساجد مکروه می‌باشد. (میبدی، ۱۳۷۱: ۶ / ۵۳۷؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۲ / ۷۲)

سه. اهتمام بر تعظیم و تطهیر مساجد

دیدگاه سوم در رفعت مساجد، تکریم و تعظیم بیوت الهی است، تطهیر و پاکسازی مسجد از آلودگی‌های مادی و نجاسات و معاصی و نهی از سخن و فعل بیهوده در مساجد، ذکر و تسبیح خداوند در مسجد و بالا نبردن صدایی غیر ذکر خدا در آن، ممانعت از ورود دیوانگان و کافران به مساجد، رعایت حقوق مسجد از جمله خواندن دو رکعت نماز در آن، بنا و آبادانی و زینت مسجد به عنوان شاخص‌ها و نمونه‌های کرامت بخشی ذکر شده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۸۱۵ / ۱۱۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۶۱؛ دروزه، ۱۴۲۱: ۸ / ۴۲۸؛ حوی، ۱۴۲۴: ۷ / ۳۷۷۶؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۶ / ۳۷۷۶؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۲ / ۱۷۵۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۴ / ۴۳۹؛ نووی، ۱۴۱۷: ۲ / ۱۱۳؛ جمل، ۱۴۲۷: ۵ / ۲۹۹؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۶۷۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۳۹۸؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۹؛ ابن عربی، ۱۴۰۸: ۳ / ۱۳۹۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۳۷۴)

۳. منازلی که به ذکر و عبادت پروردگار همراه است

افزون بر مصداق مسجد که به صورت عام یا خاص یا اخص در تفاسیر بیان شده، گروهی دیگر از مفسران مصداق بیوت را منازل و خانه دانسته است. این رویکرد نیز مانند مصداق پیشین، دامنه‌ای عام یا خاص و اخص را در بر گرفته است. در مصداق عام مراد از بیوت خانه‌هایی دانسته شده که با ویژگی اشتغال به عبادت و ذکر از شمول و گستره برخوردار است و هر خانه‌ای که اهل آن به یاد خدا و عبادت و طلب علم مبادرت نمایند، مصداقی از آیه شریفه می‌باشند. (ر.ک: ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۸۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۱۹۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۹؛ شوکانی زیدی، ۱۴۱۴: ۴ / ۴۰) طبری می‌نویسد:

مفسران در اینکه مراد از «بیوت» چیست، اختلاف نظر دارند، برخی رأی ما در

مسجد دانستن بیوت را پذیرفته‌اند و برخی دیگر، همه خانه‌ها را مصداق بیوت می‌دانند. (طبری، ۱۴۲۰: ۱۹ / ۱۹۰)

۴. منازل انبیای الهی

بنا بر دیدگاه برخی دیگر از مفسران، عمومیت بیت مورد نظر نیست و از بین بیوت، بیوت همه پیامبران الهی مورد نظر است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۹ / ۳۷۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۵۳۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۵۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۶۰۷)

رویکرد اخص در این مصداق، بیوت نبی مکرم اسلام است. بنا بر این احتمال تفسیری، خانه پیامبر اکرم ﷺ مصداق خانه رفعت داده شده معرفی می‌شود. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۸؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۵۳۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۵۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۸۶) ثعلبی این رأی را با روایت امام صادق ﷺ همراه کرده (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۱۰۶) و ابن جوزی از این مصداق به خانه همسران پیامبر ﷺ یاد کرده است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۹۷ / ۳)

برخی از تفاسیر اهل سنت افزون بر بیان مصداق و ضمن طرح باور تفسیری خویش در بیان مصداق آیه، به تبیین مصداق افضل آیه پرداخته و روایت نبی مکرم اسلام مبنی بر معرفی مصداق افضل بیوت را نقل نموده‌اند. در این روایت بیان شده که هنگام تلاوت آیه شریفه: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُدْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» توسط پیامبر، شخصی برخاست و پرسید: «ای رسول خدا این بیوت کدام‌اند؟» پیامبر ﷺ فرمود: «بیوت پیامبران ﷺ» در این هنگام ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه امیرمؤمنان و حضرت فاطمه زهرا ﷺ اشاره می‌کرد، پرسید: «ای رسول خدا آیا این خانه نیز جزء آنهاست؟» پیامبر ﷺ فرمود: «آری، از با فضیلت‌ترین آنهاست». (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۵۳۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۵۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۶۰۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۱۰۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۹ / ۳۷۰)

مفسران شیعی غالباً به این رأی تمایل داشته و بیوت اهل بیت ﷺ را به‌عنوان مصداق بارز آیه ذکر کرده‌اند. (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۳۶؛ نهایندی، ۱۳۸۶: ۴ / ۴۴۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۸ / ۳۱۸؛ حائری طهرانی، ۱۳۸۸: ۷ / ۳۵۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۱ / ۱۶۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۶۰۷؛ اشکوری، ۱۳۷۳: ۳ / ۲۹۲؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۳ / ۴۲۷؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۱۰۳) علامه طباطبایی ضمن اینکه مساجد را با استناد به آیه ۴۰ سوره حج مصداق قطعی آیه می‌داند، بیوت پیامبران و اهل بیت رسول خدا ﷺ را نیز به‌عنوان مصداق آیه برمی‌شمرد. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۴۲) **تفسیر نمونه** نیز با استناد به شاخصه «ذکر الهی» بیوت اهل بیت عصمت و طهارت را عالی‌ترین مرتبه و مصداق آیه شریفه می‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۴۸۳ و ۹ / ۳۰۹)

۵. مقامات عرفانی و نفوس پاک

مصدق سوم، با رأی تفسیرگران عرفانی قرآن کریم ارائه شده است، ابن عربی در تفسیر خویش، بیوت را به مقامات الهی تعبیر کرده و می‌گوید: مراد از بیوت مقام نفس، مقام قلب، مقام سر، مقام روح و مقام ذات انسان است که هر یک از آنان به اذن الهی به مناسبت خود رفعت می‌یابند. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲ / ۷۶)

ایبیری در *موسوعه القرآنی* از آن تعبیر به قلب انسان مؤمن می‌کند و برای سخن خود به این سخن پیامبر استناد می‌کند: «لا تدخل الملائکه بیتا فیه کلب و لا صوره» که منظور از کلب را صفات رذیله در آدمی می‌داند. (ایبیری، ۱۴۰۵: ۸ / ۷۳)

ابوحمزہ ثمالی، با استناد به حدیث «انک بین یدی بیوت اذن الله ان ترفع» وجود مقدس ائمه معصومان را به‌عنوان مصداق آیه شریفه معرفی کرده است. (ابوحمزہ ثمالی، ۱۴۲۰: ۲۵۳) آیت‌الله جوادی آملی نیز جایگاه والای توحید و نبوت و امامت را رکن معنایی بیوت و مراد از رفعت را مقام قرب وجودهای مقدس اهل بیت عصمت و طهارت دانسته است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۹ / ۹۶)

بررسی تطبیقی دیدگاه تفسیری فریقین

با بررسی تفصیلی بیش از صد تفسیر شیعه و اهل سنت به‌دست آمد که آرای تفسیری شیعه از اشتراکات قابل توجهی با نظرات مفسران اهل سنت در این آیه برخوردار است؛ مفسران فریقین به تمایز برخی مکان‌ها و جایگاه رفیع آن به‌واسطه ذکر الهی تصریح نموده و مصداق آن را مسجد دانسته‌اند؛ هرچند از توجه به مصادیق دیگر چون جایگاه رفیع اولیای الهی که به‌واسطه تجلی ذکر الهی در قلوب و نفوسشان، اعتلا یافته‌اند نیز غفلت نورزیده‌اند. دو نکته را می‌توان به‌عنوان وجه تمایز کتب تفسیری امامیه با کتب تفسیری اهل سنت دانست، نکته نخست تفاوت، گستره دیدگاه تفسیری است؛ می‌توان نظریه غالب اهل سنت را در آیه، «مسجد محوری» و رویکرد اکثری در شیعه را، محوریت «اهل بیت» در مصداق آیه دانست.

افزون بر توجه به گستره موضوعی، تفاوت فریقین در انحصار یا عدم انحصار مصداق آیه است؛ برخی از مفسران اهل سنت مسجد را مصداق انحصاری دانسته‌اند. ابن تیمیه بر این باور است که مسجد مصداق انحصاری آیه شریفه است (ر.ک: ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۷ / ۹۳) و بر همین اساس هرگونه اجتماع عبادی، تنها در مسجد جایز و مشروع بوده (همو؛ ۱۴۱۶: ۳ / ۳۹۹) و هرگونه عبادت در اماکن منتسب به اولیای الهی از جمله مراقد ایشان بدعت و شرک و عاملین به آن، زندق هستند. (ر.ک: همو، ۱۴۱۶: ۴ / ۵۱۹)

چون بیوت انبیاء و رسولان، حکماء، پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم‌السلام متمایز از تفاسیر اهل سنت است. بیشتر مفسران امامی مذهب، روایتی که افضلیت خانه حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیها‌السلام برخانه انبیاء را مورد توجه قرار داده و بر آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب / ۳۲) استناد می‌کنند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳ / ۴۳۶؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۷ / ۲۲۵؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۹ / ۲۵۴؛ طبرسی، ۱۳۷۵: ۴ / ۳۱۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۱ / ۱۰۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۸۴۹؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۴ / ۴۴۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۴ / ۵۱۵؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۱۵۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۹ / ۳۱۱؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۲۸۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۱۰؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۴ / ۴۹۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۷۳؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۶۰۷؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۷ / ۲۲۵)

روایت دیگری، مستند رهیافت مفسران امامی مذهب است؛ در این روایت ابوحمزه ثمالی ثابت بن دینار (۱۵۰ ق) از اصحاب معروف امام سجاد و امام باقر علیهم‌السلام بیان می‌کند که روزی در مسجدالنبی نشسته بود مردی وارد و سراغ ابوجعفر حضرت باقر علیه‌السلام را می‌گرفت تا پاسخ سوالاتش را دریافت ... در ادامه بیان می‌کند که هنگامی که او را به محضر امام بردند او خود را قناده معرفی کرده و بعد از پرسش و پاسخ‌هایی که انجام می‌دهد قناده اظهار می‌کند که در تمام مجالس فقها و دانشمندان و مجلس ابن عباس بودم و هیچ‌گاه قلبم مضطرب و پریشان و متزلزل نمی‌شد و در مجلس شما چنان مضطرب و پریشان شده‌ام که نزدیک است قالب تهی کنم؛ حضرت باقر علیه‌السلام به او فرمود: «میدانی در چه مکان و حضور چه شخصی نشسته‌ای؟ در خانه‌ای جلوس کرده‌ای که خداوند برفعت و بزرگی نامش اجازه فرموده، که نامش در آنجا یاد شده و هر صبح و شام بتقدیس و تنزیه ذات پاکش بپردازند و در حضور مردانی هستی که کسب و کار و خرید و فروش از ذکر خدای یگانه مانع آنها نشده و پیوسته نماز بپا داشته و زکوه مال خود را داده و از روزی که تمام دل و دیده خلاق نگران و مضطرب است بیمناک و ترسان هستند و ما ائمه همان اشخاص هستیم». قناده عرض کرد: فدایت گردم به خدا قسم همانطور است که فرمودید. سوگند به خدا آن خانه‌ها شما اهل بیت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم هستید نه خانه‌های گلی و سنگی. (ابوحمزه ثمالی، ۱۴۲۰: ۲۵۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۷۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۱ / ۱۶۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۹ / ۳۱۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۴ / ۴۹۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳ / ۴۳۶؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۴ / ۴۴۱)

بر پایه معرفی بیوت انبیاء و اولیای الهی به‌عنوان مصداق «بیوت ان ترفع» در آیه شریفه، «رفع بیت» نیز بر معنای باطنی دلالت می‌کند و بر تکریم و بزرگداشت شأن و جایگاه اماکن منتسب به

انبیاء و اولیای الهی اختصاص دارد. سبحانی رفع بیوت را رفع معنوی و به معنای رفعت و بزرگداشت اولیای الهی و آثار منتسب به ایشان دانسته و علت رفعت این بیوت را حضور مردان و زنانی می‌داند که در این مکان‌ها پیوسته به یاد خدا بودند و خداوند اذن داده است که به این آثار از دیده تکریم و بزرگداشت نگریسته شود؛ ایشان یکی از مظاهر ترفیع این بیوت را حفظ آن از هرگونه آلودگی و تعمیر به هنگام آسیب‌دیدگی بیان می‌کنند، در ادامه سخن به این نکته اشاره می‌کنند که پیامبر و فاطمه زهرا در خانه خود به خاک سپرده شده‌اند و هرگونه بی‌حرمتی به ساحت بیوت ایشان با مفاد آیه در تضاد است. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۶: ۹۷؛ همو، بی‌تا: ۷؛ همو، ۱۳۸۸: ۱۵۶)

علامه طباطبایی در بیان علت و چگونگی تکریم آثار و اماکن منتسب به اولیای الهی می‌نویسد:

مراد از «رفع بیوت» رفع قدر و منزلت و تعظیم آنهاست و چون عظمت و علو خاص خدای تعالی است و احدی شریک او نیست، مگر آنکه باز منتسب به او باشد که به مقدار انتسابش به او، از آن بهره‌مند می‌شود، پس اذن خدا به اینکه این بیوت رفیع المقام باشند به خاطر این است که این بیوت منتسب به خود اویند. از اینجا معلوم می‌گردد که علت رفعت این خانه‌ها همان «يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ» است، یعنی همین است که در آن بیوت نام خدا برده می‌شود. و چون از سیاق بر می‌آید که این ذکر نام خدا استمراری است، و یا حد اقل آماده آن هست، لذا برگشت معنا به این می‌شود که: اهل این خانه‌ها همواره نام خدا را می‌برند، و در نتیجه قدر و منزلت آن خانه‌ها بزرگ و رفیع می‌شود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۱۲۶)

در بیان علت این رفعت گفته شده که این مقام به سبب تطهیر آن از آلودگی‌ها و گناهان بوده (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۲۲۷) و تصریح به لزوم تکریم و توقیر اهل بیت نبی مکرم اسلام به خاطر این است که زنان آن برترین زنان و مردان آن برترین مردان هستند و اینان همان ائمه هستند که سیده زنان عالم در میان آنان است و ایشان اهل بیت رسالت میباشند و خداوند رسالت را برای آنان انتخاب کرده است و اطاعت مردم از ایشان به اذن خداوند است. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ». (مدرسی، ۱۴۱۹: ۸ / ۳۱۸)

تحلیل و بررسی

چنان‌که بیان شد غالب مفسران اهل سنت و برخی از مفسران شیعه «مساجد» را ضمن تحلیل خویش یا با استناد به روایت، مصداق بیوت دانسته‌اند. در اینکه طبق یک دیدگاه که بسامد آن در کتب تفسیری فریقین قابل توجه است، «مساجد» از جمله مصداق‌های آیه شریفه باشد سخنی نیست، تمایز

دیدگاه شیعه و اهل سنت در آیه، شمول یا عدم شمول اولیای الهی و آثار و اماکن منتسب به آنان در مصداق آیه است؛ چنانچه بر پایه توسعه معنایی و مصداقی در مراد آیه شریفه، «بزرگداشت اماکن منتسب به اولیای الهی» توصیه‌ای قرآنی است و براساس «انحصار مصداق آیه به مساجد»، تکریم و توقیر اولیای الهی و آنچه به این بزرگان انتساب دارد نیازمند دلیل دیگری است. ارزیابی دیدگاه مبتنی بر انحصار مصداق آیه در مساجد، تبیین‌کننده صحت مدعای این دو نظرگاه است. این ارزیابی از دو حیث کلی قابل بررسی است، نخست ارزیابی بر تکیه قرائن لفظی و محتوای درونی آیه. بررسی کاربرد قرآنی «مساجد» و «بیت» و تحلیل دلالتی روایاتی که از مجموع آن عدم انحصار مصداق بیت به مسجد مستفاد می‌گردد و نیز قرائن غیرلفظی و تصریح مفسران به تطبیق مصداق اولیای الهی و آثار منتسب به آنان براساس قرینه سیاق محور مباحث آتی است:

۱. عدم انحصار مصداق آیه در مساجد با تکیه بر قرائن لفظی

بنا بر قواعد اصولی، اعتبار کلام منوط به تحقیق و فحص در مجموع قرائن دخیل در فهم کلام بوده (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۳: ۲ / ۲۷۵) و بر پایه قواعد تفسیری، بررسی دیگر آیات و روایات مرتبط با آیه در فهم مراد الهی لازم است. (بابائی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۴)

در بررسی این قرائن کاربرد قرآنی مساجد و بیت، آیات دیگر قرآن و روایات تفسیری موردنظر است:

بررسی استعمالات قرآن حاکی از آن است که در قرآن در ۲۸ مورد که سخن از معبد و پرستشگاه عمومی است، لفظ مسجد به کار برده و مساجد در کاربرد قرآنی، با نام مخصوص خود یاد شده است؛ مسجدالحرام (بقره / ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۶ و ۲۱۷؛ مائده / ۲؛ انفال / ۳۴؛ توبه / ۷، ۱۹ و ۲۸؛ حج / ۲۵؛ فتح / ۲۷) مسجدالاقصی (اسراء / ۱)؛ مسجد (اعراف / ۲ و ۳۱؛ توبه / ۱۰۷ و ۱۰۸؛ اسراء / ۱ و ۷؛ کهف / ۲۱) مساجد (بقره / ۱۸۷؛ توبه / ۱۷ و ۱۸؛ حج / ۴۰؛ جن / ۱۸)

به عبارت دیگر مساجد در کاربرد قرآنی با نام مخصوص خود یاد شده و تعبیر از مساجد به «بیوت»، نیاز به قرینه انصراف بیت از معنای اصلی خود یا قول به تعدد معنایی بیت یا استعمال مفهوم «مکان خاص عبادت» در بیش از یک لفظ دارد. برخی مفسران نیز با استناد به قول عکرمه، کاربرد لفظ بیت در معنای مسجد را نپذیرفته‌اند. (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۸ / ۲۶۰۷؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۳۹۸؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۴ / ۱۸۶؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۱۹۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۴۹)

واژه «بیت» نیز در ۶۶ استعمال قرآنی خود در معانی چون مسکن و مأوا به کار رفته است. «بیوتا» (اعراف / ۷۴؛ یونس / ۸۷؛ حجر / ۸۲؛ نحل / ۶۸ و ۸۰؛ نور / ۲۷، ۲۹ و ۹۱؛ شعراء / ۱۴۹؛ «بیت، البیت،

بیوت و البیوت» (بقره / ۱۸۹؛ نساء / ۱۵؛ اسراء / ۹۳؛ حج / ۲۶؛ نور / ۳۶ و ۶۱ که در این آیه ۸ مورد واژه تکرار شده است؛ عنکبوت / ۴۱؛ احزاب / ۵۳) «بیوتکم» (آل عمران / ۴۹ و ۱۵۴؛ یونس / ۸۷؛ نحل / ۸۰؛ نور / ۲۷؛ نور / ۶۱؛ «بیوتهم» (نمل / ۵۲؛ زخرف / ۳۳ و ۳۴؛ حشر / ۲؛ «بیوتکن» (احزاب / ۳۳ و ۳۴) «بیوتهن» (طلاق / ۱) «بیتک» (انفال / ۵؛ ابراهیم / ۳۷) «عندالبیت» (انفال / ۳۵) «اهل البیت» (هود / ۷۳؛ احزاب / ۳۳) «بیتها» (یوسف / ۲۳) «بیتی» (حج / ۲۶) «بیت العتیق» (حج / ۲۹ و ۳۳)

برپایه تفاوتی که در کاربردهای معنایی مسجد و بیت در دیگر آیات قرآن کریم دیده می‌شود، تداخل مصداقی این دو کلمه در موارد فقد قرینه مانند نیاز به دلیل دارد؛ به عبارتی دلالت بیت بر مسجد، در صورتی که مانند بیت‌الله الحرام، همراه با قرینه باشد، پذیرفته است؛ طبری نیز در تفسیر خود بیان داشته که معنای بیوت اگر به صورت مطلق استفاده شود و به کلمه دیگری اضافه نشود، خانه‌های مسکونی است. (طبری، ۱۴۲۰: ۱۵ / ۱۷۵)

روایت زیر بر این مطلب دلالت دارد؛ با این توضیح که در روایت، مساجد با اضافه «بیت» به ضمیر «ی» تعریف شده و در آن، ورود افرادی که حقی از مردم به گردن آنها است به «بیتی» که تعبیری از مسجد است، منع شده است:

خداوند به من وحی فرمود که: ای از تبار پیامبران! ای از تبار هشداردهندگان! به قوم خود هشدار ده که هرگاه یکی از آنان نسبت به یکی از بندگان من مظلمه‌ای به گردن داشته باشد، به هیچ‌یک از مساجد وارد نشود؛ زیرا تا زمانی که در برابر من به نماز ایستاده، او را لعنت کنم، مگر این که آن مظلمه را رد کند. (ابن‌فهد، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۴۱)

محتوای درونی آیه و ارتباط آن با آیه قبل و بعد نیز قرینه دیگری در این رویکرد تفسیری است. مفسر **اطیب البیان** در بیان مستند تحلیلی خویش می‌نویسد:

کلمه «فی بیوت»، متعلق به «نور علی نور» در آیه قبل است؛ یعنی این انوار در حال حیات و ممات در بیوتی مستقر شده‌اند که دارای رفعت و عظمت‌اند؛ خواه منازل آنان که در آن سکونت داشته‌اند و خواه بقاع متبرکه که آنان که محل دفن این انوار است. (طیب، ۱۳۶۹: ۹ / ۵۳۳)

بنابر دیگر دیدگاه‌های تفسیری در بیان متعلق «فی بیوت» نیز این معنا حاصل است؛ چنانچه صافی، آن را به کلمه «کمشکاة» (صافی، ۱۴۱۸: ۲۶۸ / ۱۸) و علامه طباطبایی متعلق به فعل «یهدی» در آیه ۳۵ سوره نور دانسته و معنا را یکی می‌داند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۳۶) ایشان متذکر این

تحلیل شده‌اند که علت رفعت یافتن بیوت، حضور افرادی است که در آن به کمال اخلاص رسیده‌اند. دلیل کمال اخلاص آنان، ستایش پروردگار متعال است که اهل‌بیت را به عدم غفلت از یاد خدا و عمل صالح و محبوب نبودن از خداوند توصیف نموده است. (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۶۸)

آیت‌الله سبحانی نیز با تحلیل محتوای درونی آیه و سیاق قبل و بعد آن می‌نویسد: این بیوت (بیوت اهل‌البیت علیهم‌السلام) از آن‌رو رفعت یافته‌اند که در آن خانه‌ها بزرگ مردانی هستند که امور دنیایی هرگز آنان را از یاد خدا و نماز و زکات غافل نمی‌کند. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۴: ۲۰۵) قرینه دیگری که ایشان به آن استناد نموده و بیان داشته که مقصود از بیوت در این آیه در مساجد منحصر نیست، آیه «رَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود / ۷۳) و آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب / ۳۳) است. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۵۵؛ همو، بی‌تا: ۱۶)

آیه ۱۰۷ سوره توبه نیز به‌عنوان قرینه لفظی منفصل دیگر در فهم مراد آیه شریفه تأثیرگذار است، از دقت در مفاد آیه شریفه به‌دست می‌آید که «اشتغال به ذکر الهی» تنها مؤلفه بزرگداشت مساجد نیست؛ هرچند مساجدی که حقیقتاً به یاد الهی اختصاص یابد مصداق بارز تعظیم و کرامت‌بخشی است، ولی در کنار آن می‌توان از مصداقی یادکرد که به لحاظ تعریف ظاهری، مصداق مسجد هست ولی به صراحت تعالیم دینی از امر به تعظیم برکنار و بلکه امر به هدم و نابودی آن می‌شود. مسجد ضرار نمونه‌ای است که قرآن کریم با بیان آن، این حقیقت را متذکر شده است که صرف نام و عنوان مسجد، کافی نیست. مسجد ضرار مسجدی است که پروردگار متعال آن مسجد و بانیان آن را نه تنها شایسته تکریم ندانسته بلکه مذمت می‌نماید. به عبارت دیگر می‌توان گفت شاخصه اصلی ترفیع بیوت، ذکر حقیقی الهی است که اولیای راستین الهی مصداق حقیقی این وصف هستند؛ نه این که صرفاً با عنوان «مسجد»، به این وصف متصف شود؛ چنانچه در آیه ۷ سوره انبیاء و نیز آیه ۴۳ سوره نحل، اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان مصداق ذکر، معرفی شده‌اند. (ر.ک: حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۵۵؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۳۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۶۰)

آیت‌الله جوادی آملی جایگاه والای توحید و نبوت و امامت را رکن معنایی بیوت و مراد از رفعت را مقام قرب وجودهای مقدس اهل‌بیت عصمت و طهارت دانسته (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۹ / ۹۶) و می‌نویسد:

بیت معنوی جایگاه ارزشمند و والای توحید، نبوت و امامت است؛ یعنی خانه‌ای که مصالح و نقشه آن را ایمان و شناخت ذات اقدس خداوند و ولایت‌پذیری جانشینان راستین او فراهم می‌کند ... خداوند به خاطر بهره‌مندی این بیوت از انوار الهی، خواستار رفعت آنان می‌باشد و این بیوت تنها به مساجد و مشاهد مشرفه ظاهری مانند کعبه

بیت المقدس و مسجدالنبی اختصاص ندارد؛ زیرا پایگاه و جایگاه اصلی یاد خدا، جان پاک و قلب ناب مؤمنان مقرب به درگاه خداوند است «وَ اذْکُرْ رَبِّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعًا وَ خِیْفَةً» (اعراف / ۲۰۵) روشن بودن مساجد ظاهری در گرو حضور نورانی ذوات قدسی جانشینان الهی و پیروان راستین آنان در این مراکز می‌باشد و گر نه بسان مسجد ضرار، جایگاه تاریکی و گمراهی و پایگاه خدا ستیزی خواهد بود. (توبه / ۱۰۷) و بر این اساس مصداق آشکار و راستین بیوت را در آیه، نفوس پاک معصومان علیهم‌السلام و دارندگان مقام ارجمند رسالت و خلافت بیان می‌کنند. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۹ / ۸۶)

مفسر **الفرقان** نیز در تفسیر خود بیوت عصمت و طهارت را جایگاه‌های مقدس و بیت‌های روحانی و وحیانی می‌داند که بر حسب فرموده «اولنا محمد، آخرنا محمد، اوسطنا محمد و کلنا محمد صلی‌الله علیه‌وآله» بیت مختص ذکر الهی هستند و صاحب آخرین این بیت، ولی امر علیه‌السلام است. (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ۳ / ۴۴۶)

روایات تفسیری نیز قرینه دیگری در شمول بخشی و عدم انحصار مصداقی آیه شریفه هستند. افزون بر روایاتی که در بیان دیدگاه تفسیری شیعه و اهل سنت بیان شد، روایات متعدد دیگری نیز بر دلالت بیوت به «خانه اولیای الهی» تأکید می‌نمایند. برخی از این احادیث چنین است:

۱. عن جابر عن ابي جعفر علیه‌السلام فی قوله: فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه، قال: هی بیوت الانبیاء، و بیت علی علیه‌السلام منها. (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۰۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۸۲؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸: ۹ / ۳۱۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۶ / ۲۹۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۷۳؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۷ / ۲۲۵ و ر.ک: شبر، ۱۴۱۲: ۳۴۲؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۵ / ۱۱۷)
۲. عن انس بن مالک و عن بریده، قال: قرأ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه ... فقام الیه رجل، فقال: ای بیوت هذه یا رسول الله؟ قال: بیوت الانبیاء. فقام الیه ابوبکر، فقال: یا رسول الله، هذا البیت منها؟ و اشار الی بیت علی و فاطمه علیهما‌السلام: قال: نعم من افضلها. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۵۰؛ آلوسی، ۱۴۰۵: ۹ / ۳۶۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷ / ۱۰۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۷۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۳ / ۱۱۱؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸: ۹ / ۳۱۲؛ خسروی، ۱۳۹۰: ۶ / ۱۹۱؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۸۷)
۳. روي عن ابن عباس، انه قال: كنت فی مسجد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، و قد قرأ القاری: فی بیوت اذن الله ان ترفع ... فقلت: یا رسول الله، ما البیوت؟ فقال رسول الله: «بیوت الانبیاء و اوماً بیده الی بیت فاطمه الزهراء ابنته». (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴ / ۷۶)
۴. عن ابن نباته قال: كنتُ جالساً عند أمير المؤمنين علیه‌السلام فجاء ابن الكواء فقال يا أمير

الْمُؤْمِنِينَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ الرِّبُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الرِّبَّ مِنْ
اتَّقَى وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ قَالَ ﷺ نَحْنُ الْبُيُوتُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُؤْتَى مِنْ أَبْوَابِهَا
وَ نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ بِيُوتُهُ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهُ فَمَنْ بَايَعَنَا وَ أَقْرَبَ يَوْلَايَتَنَا فَقَدْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ
أَبْوَابِهَا. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۴ / ۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۲۷)

۲. عدم انحصار مصداق آیه در مساجد با تکیه بر قرائن غیر لفظی

مراد از قرائن غیرلفظی قرائنی است که با کلام ارتباط داشته و در فهم مفاد کلام و درک مراد گوینده مؤثر باشد. (ر.ک: بابائی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۵) یکی از این قرائن مبتنی بر کاربرد صحابه و فهم آنان در هم‌سانی بیوت و مساجد است؛ توضیح مطلب آن که در تحلیلی دیگر می‌توان گفت اگر مصداق بیوت، مسجد تلقی شود نیز مانعی در اطلاق بیوت اولیای الهی به «بیوت اذن الله» ان ترفع نیست؛ چه اینکه بنابر کاربرد اصحاب، تفسیر بیوت به بیوت حقیقی، معنای مسجد را نیز می‌تواند در بر می‌گیرد، بنابر گزارش‌های نقل‌شده، اصحاب در منزل‌های خود مکانی را به‌عنوان نماز مشخص نموده و از آن با تعبیر مسجد نام می‌بردند؛ چنانچه از عایشه نقل شده که: «امر رسول الله ببناء المساجد فی الدور» مؤلف *نخایه المرام* پس از این نقل بیان می‌دارد که بخاری عنوانی با باب «المساجد فی البیوت» اختصاص داده و از صحابه افرادی را نام می‌برد که در خانه‌های خود به‌عنوان مسجد نماز می‌گزاردند. (ر.ک: عبدالقادر، ۱۴۳۲: ۱ / ۲۰۶)

افزون بر این کاربرد عام، در مورد بیت حضرت علی علیه السلام به طور ویژه این امر بیان شده است که خانه حضرت جزو مسجد بوده است؛ قرطبی روایت رسول خدا مبنی بر حکم فقهی جنب مبنی بر عدم جواز ورود در مسجد و استثنای خود حضرت و امام علی علیه السلام را ذکر نموده و می‌نویسد:

قال علماءنا و هذا يجوز ان يكون ذلك، لان بيت علي كان في المسجد، كما كان بيت النبي صلى الله عليه و سلم في المسجد. (قرطبی، ۱۳۸۴: ۵ / ۲۰۷)

بنابراین از بین بیوتی که شایستگی اتصاف به مسجد را داشته باشد، بیوتی که معنای حقیقی ذکر و یاد الهی متصف باشد و روایات نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله این اتصاف را تأیید کند، مصداق بارز آیه شریفه است.

درنهایت می‌توان از تحلیل مجموع مستندهای فریقین بیان داشت که مساجد نمی‌تواند مصداق انحصاری بیت در آیه شریفه باشد؛ همچنان که مصداق محوری نیز نیست؛ بلکه با توجه به شاخصه ذکر الهی و اذن پروردگار در رفعت‌بخشی، مکان‌هایی که در ارتباط با برگزیدگان الهی، متصف به نورانیت توحیدی هستند، مصداق حقیقی آیه هستند.

نتیجه

این پژوهش پس از تحلیل و ارزیابی دیدگاه مفسران فریقین به نتایج زیر دست یافت:

- دیدگاه اکثر مفسران اهل سنت و بعضی از مفسران شیعه در تعیین مصداق بیوت بر مساجد چه به صورت خاص، مساجد اربعه یا عموم مساجد تعلق گرفته است. تفسیر آنان از رفعت در این مصداق به بنا کردن و بالا بردن دیواره‌های مساجد و تکریم مساجد با رعایت کردن احکام و حفظ آن از آلودگی‌های مادی و گناهان می‌باشد.
- مصداق مشترک دیگر در تفسیر بیوت، بیوت پیامبران یا بیت حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام که افضل از ایشان است، می‌باشد که به گفته یکی از مفسران اهل سنت عدول از آن خلاف انصاف است.
- گروهی از مفسران شیعه مصداق بیوت را طبق روایات رسیده از اهل بیت، بیوت اهل بیت پیامبر و بیت پیامبران و حضرت رسول بیان می‌کنند و ترفیع آن را برخاسته از اذن تکوینی و تشریحی خدا می‌دانند و ذکر مستمر ایشان و عدم وابستگی‌شان به دنیا را از ویژگی‌های این بیوت دانسته‌اند. از نظرگاه مفسران حقیقت بیوت، خانه‌های گلی و سنگی اهل بیت نیست، بلکه مقام رفیع رسالت و امامت است، ایشان مراد از رفعت را مقام قرب و وجودهای مقدس اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌دانند.
- رفعت بیوت پیامبران و اوصیاء الهی تنها به زمان حیات ایشان منحصر نمی‌شود؛ بلکه مشاهد و مراقب ایشان بعد از وفاتشان نیز منبع هدایت مسلمانان است و مسلمانان باید در حفظ و صیانت از این مشاهد کوشا باشند که از نشانه‌های مهرورزی به خاندان رسالت حفظ و تکریم مقام امامت ایشان است.
- ارزیابی دیدگاه مبتنی بر مصداق انحصاری آیه در مسجد، با تکیه بر روایات ذکرشده، قرائن متصل و منفصل لفظی و غیرلفظی و محتوای درونی آیه سازگار نیست.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آل‌غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲ ش، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض، مکتبة نزار مصطفی الباز.
- ابن تیمیه، أحمد، ۱۴۰۶ ق، *منهاج السنة النبویة*، ریاض، جامعه محمد بن سعود الإسلامية.
- ابن تیمیه، احمد، ۱۴۱۶ ق، *مجموع الفتاوی*، مدینه، مجمع الملک فهد.

- ابن تیمیه، احمد، بی تا، *الرد علی احنائی*، ریاض، ریاست العامة ادارات بحوث عامه و الفتاء.
- ابن جزئی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ ق، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت، شركة دار الأرقم بن ابی الأرقم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عجبیه، احمد، ۱۴۱۹ ق، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره، حسن عباس زکی.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله، ۱۴۰۸ ق، *احکام القرآن*، بیروت، دار الجیل.
- ابن عربی، محمد بن علی، ۱۴۲۲ ق، *تفسیر ابن عربی*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحور الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن فهدحلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ ق، *عدة الداعی و نجاه الساعی*، بیروت، دار الکتب الاسلامیة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، ۱۴۲۰ ق، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار المفید.
- ابو حیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- ایاری، ابراهیم، ۱۴۰۵ ق، *الموسوعة القرآنیة*، قاهره، مؤسسة سجل العرب.
- استرآبادی، علی، ۱۴۰۹ ق، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- اشکوری، محمد بن علی، ۱۳۷۳ ش، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد.
- امین اصفهانی، نصرت بیگم، بی تا، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، بی جا، بی تا.
- انصاریان، حسین، ۱۳۹۳ ش، *تفسیر حکیم*، قم، دار العرفان.
- بابائی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۹۷ ش، *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ ق، *البوهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسة البعثة.
- بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶ ش، *تفسیر جامع*، تهران، کتابخانه صدر.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ثلاثی، یوسف بن احمد، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر الثمرات البانعة و الاحکام الواضحة القاطعة*، صعده، مکتبه التراث الإسلامی.
- جرجانی، حسین بن حسن، ۱۳۷۸ ش، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، تهران، دانشگاه تهران.

- جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله، ۱۳۸۸ ش، *عقود المرجان فی تفسیر القرآن*، قم، نور وحی.
- جمل، سلیمان بن عمر، ۱۴۲۷ ق، *الفتوحات الإلهية بتوضیح تفسیر الجلالین للدقائق الخفية*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳ ش، *ادب فنای مقربان شرح زیارت جامعه کبیره*، قم، اسراء.
- حائری طهرانی، علی، ۱۳۳۸ ش، *مقتنیات الدرر*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
- حسینی همدانی، محمد، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران، لطفی.
- حوی، سعید، ۱۴۲۶ ق، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دار السلام.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- خازن، علی بن محمد، ۱۴۱۵ ق، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- خطیب شریبینی، محمد بن احمد، ۱۴۲۵ ق، *السراج المنیر*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۳ ش، *مناهج الوصول الی علم الاصول*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دخیل، علی محمد علی، ۱۴۲۲ ق، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دار التعارف.
- دروزه، محمد عزه، ۱۴۲۱ ق، *التفسیر الحدیث*، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ج ۲.
- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله، ۱۴۱۳ ق، *سیر أعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- رازی ابو الفتوح، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *التفسیر الكبير / مفاتیح الغیب*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت و دمشق، دار العلم و الدار الشامیة.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۲۲ ق، *التفسیر الوسیط*، دمشق، دار الفکر.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ ق، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، دمشق، دار الفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۶ ش، *راهنمای حقیقت: پرسش و پاسخ پیرامون عقاید شیعه*، تهران، مشعر.

- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۸ ش، *وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبحانی، جعفر، بی تا، *آیا ساخت بنا بر قبور جایز است؟*، قم، دفتر آیت‌الله سبحانی.
- سعدی، عبدالرحمن، ۱۴۰۸ ق، *تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان*، بیروت، مکتبه النهضة العربیه.
- سلطان علی شاه، محمد بن حیدر، ۱۴۰۸ ق، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر بحر العلوم*، بیروت، دار الفکر.
- سیواسی، احمد بن محمود، ۱۴۲۷ ق، *عیون التفاسیر*، بیروت، دار صادر.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳ ش، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات.
- شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدیر*، دمشق، دار ابن کثیر.
- شیبانی، ابو‌احمد بن حنبل، ۱۴۰۸ ق، *العلل و معرفة الرجال*، بیروت، ریاض، المکتب الإسلامی.
- شیبانی، محمد بن حسن، ۱۴۱۳ ق، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، قم، الهادی.
- صابونی، محمد علی، ۱۴۲۱ ق، *صفوة التفاسیر*، بیروت، دار الفکر.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۸۸ ش، *ترجمان فرقان*، قم، شکرانه.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم، فرهنگ اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، مکتبه محمد الصادقی الطهرانی.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق، ۱۴۲۰ ق، *فتح البیان فی مقاصد القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۸۴ ش، *الانسان و العقیده*، قم، باقیات.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ ش، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، *التفسیر الکبیر*، اردن، دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تأویل آی القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طنطاوی، محمد سید، ۱۹۹۷ م، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، نهضة مصر.
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹ ش، *اطیب البیان، فی تفسیر القرآن*، تهران، نشر اسلام.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰ ش، *تفسیر عاملی*، تهران، کتابفروشی صدوق.
- عائض، ناصر بن علی، ۱۴۲۱ ق، *عقیده اهل السنة و الجماعة فی الصحابة الکرام*، ریاض، مکتبه الرشد.
- عبدالقادر، شیهه الحمد، ۱۴۳۲ ق، *فقه الاسلام؛ شرح غایة المرام*، بی جا، مؤسسه علوم القرآن.

- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ش، *کتاب التفسیر*، تهران، نشر چاپخانه علمیه.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، چ ۲.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۱۸ ق، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵ ش، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، چ ۲.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ ق، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ش، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوزن، ۲۰۰۰ م، *لطائف الاشارات*، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸ ش، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ ش، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶ ش، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- کرباسی، محمدجعفر، ۱۴۲۲ ق، *اعراب القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، الإسلامیه.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، *تفسیر فوات الکوفی*، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الإسلامی.
- ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶ ق، *تأویلات أهل السنة*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبب الحسین علیه السلام.
- مراغی، احمد مصطفی، بی تا، *تفسیر المرائی*، بیروت، دار الفکر.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۱۷ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الإسلامی.
- مظهری، ثناء الله، ۱۴۲۱ ق، *التفسیر المظهری*، کویت، مکتبه رشدیة.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، *التفسیر الکاشف*، قم، دار الکتب الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ ش، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران، امیرکبیر.
- نسفی، عبدالله بن احمد، ۱۴۱۶ ق، *مدارک التنزیل و حقائق التاویل*، بیروت، دار النفاثس.
- نهاوندی، محمد، ۱۳۸۶ ش، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، تهران، مؤسسه البعثة.
- نووی، محمد، ۱۴۱۷ ق، *مواح لیبید لکشف معنی القرآن المجید*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- هوارى، هود بن محکم، ۱۴۲۶ ق، *تفسیر کتاب الله العزیز*، بی جا، دار البصائر.